

محاسن و معایب نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی با تأکید بر ریاض العلماه

سید محمد موسوی خو^۱

محمود مهمان نواز^۲

چکیده: حکومت صفویان، از دوره‌های شاخص در تاریخ ایران است که علم و دانش در آن رونق بسیار داشت. گذشته از اهمیت فراوان این دوره از نظر سیاسی، ظهور حکومت صفوی از نظر اجتماعی و مذهبی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا با تشکیل این حکومت و رسیدت یافتن مذهب تشیع، نظام آموزشی امامیه شکوفا شد. شاه اسماعیل اول مؤسس سلسه صفوی، برای مشروعيت‌بخشی به نظام آموزشی خود مقدمات تأسیس نهادهای آموزشی را نیز فراهم کرد. همچنانکه در این دوره، تحت تأثیر رشد همه‌جانبه فرهنگ و تمدن ایرانی، نظام آموزشی تحولات قابل توجهی را تجربه کرد. نظامی که در کنار محاسن فراوانش، کاستی‌ها و معایبی نیز داشت. بنابراین، این پژوهش در پی پاسخ گفتن به این پرسش اساسی است که نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی چه محاسن و معایبی داشت؟ یافته‌های پژوهش که بر اساس روش توصیفی- تحلیلی و با جستجو در منابع و پژوهش‌های مربوط به آن دوره بهویژه کتاب ریاض العلماه، سامان یافته است، نشان می‌دهد که احداث مساجد، مدارس، مکتب خانه، کتابخانه‌ها و ترجمه و تألیف کتاب به زبان فارسی، توجه به خوشنویسی، نقاشی، معماری و دعوت از علمای جبل عامل، بحرین، عراق و فراهم نمودن شرایط برای ادامه تحصیل زنان، تأمین بودجه، اعطای حقوق مکافی به استادان و پرداختن کمک هزینه تحصیلی به طلاب از محاسن نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی است؛ حال آنکه شرح، حاشیه‌نویسی و تعلیقه بر کتب، عدم توجه به تنخصصی شدن علوم، عدم رعایت پیش‌نیاز در دروس و تیه بدنی در مکتب خانه‌ها از معایب نظام آموزشی امامیه در آن دوره محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نظام آموزشی صفویه، محاسن نظام آموزشی، معایب نظام آموزشی، امامیه، صفویه، ریاض العلماه

۱ دکتری تاریخ و استادیار دانشگاه پاسوچ (نوبنده مسئول) mmusavikhu@gmail.com

۲ دکتری تاریخ و استادیار دانشگاه پاسوچ mehmannavaz86@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹

The Merits and Disadvantages of the Imamieh Educational System in the Safavid Era, with an Emphasis on *Riaz al-Olma*

Seyyed Mohammad Mosavikho¹
Mahmoud Mehman Navaz²

Abstract: The Safavid dynasty is one of the most important periods in Iranian history, when knowledge and science was honored. In addition to the political importance of this era, the advent of the Safavid government is also of great importance in terms of religion and social aspect; since due to the formation of this government and the establishment of the Shi'a religion, the Imamieh educational system flourished. The founder of the Safavid dynasty, Shah Isma'il I, provided the foundations for the establishment of educational institutions to legitimize his political system. In this era, under the influence of the immense growth of Iranian culture and civilization, the educational system also experienced significant changes. This system, along with its many virtues, had some shortcomings and disadvantages. Therefore, this research seeks to answer the fundamental question that "What were the advantages and disadvantages of Imamieh educational system in the Safavid era?" The findings of the research, which is based on the descriptive-analytical method and by reviewing the resources and researches related to that period, especially the book *Riaz al-Olma*, show some of these advantages and disadvantages. Construction of mosques, schools, libraries and translation and compilation of the book in Persian, paying attention to calligraphy, painting, architecture, inviting scholars from Jebel Amel, Bahrain, Iraq, and providing necessities for women to continue their studies, fundraising, paying sufficient salaries to the teachers as well as paying scholarships to students are among the merits of the Imamieh educational system in the Safavid era. Meanwhile excessive interpretations, annotations on books, paying no attention to the specialization of science, the failure to comply with pre-requirements and corporal punishment in schools are among the disadvantage of Imamieh educational system.

Keywords: Safavid educational system, merits of educational system, disadvantages of educational system, Imamieh, Safavid, *Riaz al-Olma*

¹ Assistant professor, Yasouj University, (corresponding author), mmusavikhu@gmail.com

² Assistant professor, Yasouj University, mehmnavaz86@gmail.com

مقدمه

تعلیم و تعلم از مسائل مهم و اساسی هر جامعه است، بنابراین ضرورت دارد جایگاه علم و دانش در هر عصری مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش درباره نظام آموزشی به تاریخ، فرهنگ و دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه ارتباط دارد. تأسیس حکومت صفوی در سال ۷۰۹ق. به عنوان یکی از رویدادهای مهم تاریخ ایران اسلامی محسوب می‌شود و این پژوهش نیز به محاسن و معایب نظام آموزش امامیه در این دوره با تأکید بر کتاب ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء اثر میرزا عبدالله افندی پرداخته است. این نظام آموزشی دارای ریشه و اصالت فرهنگی است و از منظر تاریخی، سابقه‌اش به صدر اسلام و ظهور پیامبر اعظم(ص) منتهی می‌شود که مسجد، اولین پایگاه و جایگاه آن بود. ائمه - علیهم السلام - صحابه وتابعین این روش پسندیده را دنبال کردند و دانشمندان و فقهاء، وظیفه مهم آموزش و ارشاد مردم را بر عهده گرفتند.

نظام آموزش امامیه در یک فرآیند تکاملی رشد و نمو یافت و در دوره صفوی شکوفا شد. میرزا عبدالله افندی از علمای این عصر در کتابش، نمای کلی از وضعیت آموزشی این دوره را بیان نموده است. در این پژوهش، با تکیه بر این اثر و دیگر منابع عصر صفوی، محاسن و معایب نظام آموزشی امامیه استخراج می‌شود و پس از تجزیه و تحلیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این عصر، امر آموزش حرکتی فراگیر بود که از جانب پادشاهان، امیران، وزیران، زنان و عوام حمایت می‌شد. در این دوره، علاوه بر مساجد، مدارس، مکتب خانه‌ها، کتابخانه‌ها، تکایا، خانقاوهای قهوه‌خانه‌ها و برخی از منازل به تشکیل مجالس درسی اقدام می‌نمودند. دانشمندان بزرگی ظهور کردند و در زمینه‌های مختلف آموزشی، کتاب‌هایی نگاشتند. برخی نیز بر کتاب‌های پیشینیان، شرح، حاشیه و تعلیقاتی نوشتند. این نظام آموزشی به رغم محاسن و پیشرفت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون علمی، کاستی‌ها و معایبی نیز داشت. این پژوهش در صدد است محاسن و معایب نظام آموزش امامیه در عهد صفوی را مورد بررسی قرار دهد.

نظام آموزشی در دوره صفویه

نظام آموزشی مجموعه پیچیده‌ای است که در آن اجزای متصلکله و زیرنظام‌ها به گونه‌ای

سازمان یافته است تا در اثر تعامل مداوم، هدف‌های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد.^۱ در اوایل قرن دهم هجری، حکومت صفویان در ایران تشکیل شد که از جهات گوناگون حائز اهمیت است. از این حکومت به عنوان اولین حکومت ملی مستقل ایران از زمان ورود اسلام تا بدان روزگار یاد شده است. صفویان توانستند در جغرافیای ایران، بدون وابستگی به هیچ حکومت دیگری دولتی پایدار تشکیل دهند. مورد بعدی که درباره اهمیت صفویان در تاریخ ایران باید بدان اشاره نمود، رسمیت یافتن مذهب شیعه امامیه در دوران این حکومت است. در واقع رسمیت یافتن تشیع به صفویان کمک نمود تا هرچه بیشتر استقلال خود را در برابر حکومت نیرومند جهان اسلام در آن روزگار (عثمانی) حفظ نماید.

استقلال یک حاکمیت سیاسی، به مؤلفه‌های گوناگونی نیاز دارد که یکی از این موارد، نظام آموزشی قوی و مستقل است. به دلیل آنکه مذهب شیعه امامیه قبل از صفویان تجربه حکومتداری نداشت (به استثنای حکومت کوتاه‌مدت و محلی سربداران)، در مورد نظام آموزشی بهشدت احساس ضعف و کمبود می‌کرد. به هر روی فضای جدید مذهبی احساس نیاز به مسئله آموزش را در میان حاکمان و همچنین متولیان فرهنگی بیشتر کرده بود و همین امر سبب ایجاد مراکز آموزشی زیادی در این دوره شد. می‌توان دوران صفویان را به لحاظ تعدد مراکز آموزشی از شکوفاترین دوره‌های تاریخ ایران دانست به گونه‌ای که حتی تعجب و حیرت سیاحان اروپایی را به دنبال داشته است. در این بین، مهاجرت علمای امامیه به ایران (به دعوت حکومت) زمینه را برای توسعه هرچه بیشتر مسئله آموزش و مراکز آموزشی فراهم نمود. نظام آموزش امامیه در عصر صفوی محاسن زیادی داشت، اما در عین حال نمی‌توان از نظر دور داشت که این نظام آموزشی دارای کاستی‌هایی نیز بوده است.

محاسن نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی

۱- احداث مساجد، مدارس و مکتب خانه‌ها

ایجاد و توسعه فضاهای آموزشی و مکان‌هایی برای تعلیم و تعلم مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین لازمه گسترش و پیشرفت یک نظام آموزشی است. در ک چنین امری از سوی حاکمان و متولیان نظام آموزشی دوره صفویه سبب احداث و توسعه فضاهای آموزشی گردید، به گونه‌ای که حتی در شهرهای کوچک و روستاهای نیز مکانی برای جویندگان دانش فراهم شده بود.

^۱ محسن فرمیه‌نی فراهانی (۱۳۷۸)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: اسرار دانش، ص ۲۹۱.

۱- مساجد

مسجد به عنوان یکی از نهادهای دینی- فرهنگی ایران عصر صفوی، جایگاه مهمی برای فعالیت‌های مختلف بودند. شواهد تاریخی حاکی از آن است که مساجد تنها کارکرد عبادی نداشته‌اند و به منظور انتقال فرهنگ شیعی، واجد ظرفیت‌های آموزشی و تربیتی قابل توجهی بوده‌اند. در این عصر، مسجد یکی از مهم‌ترین فضاهای آموزشی بود که مورد استفاده قرار می‌گرفت. صفویان با تأسیس مساجد، در نشر مذهب تشیع و ترغیب مردم به آن همت گماشتند. از کتاب ریاض‌العلماء چنین استنباط می‌شود که با حمایت پادشاهان از علمای عصر صفوی و احداث مساجد در سراسر ایران، در تقویت مذهب تشیع گام‌های اساسی برداشته شد.^۱ این توسعه، نتیجه ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی بود که در این زمان وجود داشته است. نظام آموزشی مساجد در عصر صفوی مبتنی بر آموزه‌های مذهب تشیع بود که متأثر از تلاش علمای شیعه در این عصر بود. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی استفاده از مساجد، به عنوان کانون‌های آموزشی است. این عمل در اسلام، سابقه دیرینه‌ای داشت. از آغاز تأسیس تمدن اسلامی در مدینة النبی و احداث مسجد توسط پیامبر(ص) در این شهر، این مکان نه تنها محلی برای عبادت بود، بلکه از آن برای آموزش نیز استفاده می‌شد. در تاریخ اسلام از ابتدا آموزش با مسجد در ارتباط بود و مدرسه در اصل از مسجد منشعب شده است. امامیه از دوران ائمه - علیهم السلام - از مسجد به عنوان محلی جهت آموزش علوم استفاده می‌کردند. امام سجاد(ع) مردم را هر روز جمعه در مسجد النبی موعظه می‌کرد.^۲ با الگوگری از پیامبر(ص) و ائمه معصومین - علیهم السلام - علمای شیعه بر آموزش در مساجد اهتمام می‌ورزیدند. برای نمونه از جمله آنان، ایان بن تغلب بود که بنا به پیشنهاد امام باقر(ع) در مسجد می‌نشست و برای مردم، احکام و مسائل شرعی را بیان می‌کرد.^۳

در دوره صفویه، در سراسر ایران مساجد زیادی با حمایت فرمانروایان و افراد خیر تأسیس شد. در این مساجد، علاوه بر امور مذهبی، امور آموزشی نیز انجام می‌پذیرفت. در شهرهای مختلف ایران مانند تبریز، قزوین و اصفهان که پایتخت بودند و شهرهای دیگری

^۱ میرزا عبدالله افندی اصفهانی (۱۴۰۳ق)، ریاض‌العلماء و حبیاض‌الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۱ و ۲، قم؛ منشورات مکتبه‌آیت‌الله مرعشی نجفی، اکثر صفحات.

^۲ محمدبن‌یعقوب کلینی (۱۴۰۷ق)، کافی (ط-الاسلامیه)، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص ۷۲.

^۳ احمد بن علی‌نجاشی [ابی‌تا]، رجال، تهران: [ابی‌نا]، ص ۸.

مانند قم، مشهد، شیراز و ... مساجد متعددی احداث شد و مسائل آموزشی مورد توجه قرار گرفت. از شهرهای مهم عصر صفویه، شهر اصفهان بود که شاه عباس اول آن را به عنوان پایتخت انتخاب نمود. در شهر اصفهان مساجد زیادی تأسیس شد که برای نمونه می‌توان به مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد شاه اشاره نمود.^۱ با توجه به منابع عصر صفوی و کتاب ریاض‌العلماء استنباط می‌شود که مساجد، مهم‌ترین مکان‌های آموزشی در عصر صفوی بودند. در این مساجد، مباحث مربوط به مذهب تشیع برای مردم تبیین می‌شد. همچنین سیاحان اروپایی نیز از مسجد به عنوان جایی جهت آموزش سخن به میان آورده‌اند. آدام اولناریوس به این موضوع اشاره دارد که مساجد در روزگار صفوی هم محل عبادت و هم مدرسه بودند. مردم هر محله، مسجدی تأسیس و هزینه‌های آن را نیز تأمین می‌کردند.^۲ در این مساجد، علاوه بر امور مذهبی، امور آموزشی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت. در این عصر، مسجد به عنوان آموزشگاهی مذهبی عمل می‌کرد و با توجه به وفور مساجد در این دوره که بنا به گفته شاردن در هر کوچه‌ای مسجدی وجود داشت^۳ می‌توان دریافت که به لطف وجود مساجد متعدد، آموزش در این دوره همگانی شده و برای عموم مردم، در دسترس بوده است.

۱-۲- مدارس

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، احداث مدارس در شهرهای مختلف ایران بود. تأسیس مدارس در تمدن اسلامی قدامت زیادی داشت. با گذشت زمان و در پی گسترش دامنه فراگیری علم و دانش و برای جلوگیری از مزاحمت‌هایی که در مساجد برای نمازگزاران پیش می‌آمد، در کشورهای اسلامی مراکزی با نام مدرسه پدید آمد. از کتاب ریاض‌العلماء و منابع اصلی عصر صفوی چنین استنباط می‌شود که این عصر گسترش و رونق مدرسه‌سازی بود. براساس منابع تاریخی، در این روزگار فرمانروایان، عالمان و سایر افراد جامعه عزم خود را برای مدرسه‌سازی جزم کردند که نتیجه آن، احداث مدارس متعددی در شهرهای مختلف ایران به ویژه در شهرهای بزرگ و پایتخت بود. جریان علمی عصر صفوی در مراکز کهن و ریشه‌دار فعالیت‌های علمی، یعنی مدارس پیگیری می‌شد. مدرسه در تعریف این دوران نوعی

۱ جملی کاری (۱۳۴۸)، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ص ۸۰.

۲ آدام اولناریوس (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ص ۳۰.

۳ ئان شاردن (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمائی، ج ۴، تهران: طوس، ص ۲۲۵.

کالج یا دانشگاه به شمار می‌رفت که در آن جریانی نسبتاً سطح بالا از علم مورد توجه قرار داشت. بنا به استناد شاردن، در ایران عصر صفوی تازه جوانان پس از طی آموزش مکتب به مدرسه می‌رفتند و مدرسه در عرف، نام آموزشگاه علوم دینی بود.^۱ به نظر می‌رسد مدارس و مساجد در دوره صفویه، اهداف آموزشی مشترک داشتند و مکمل همدیگر بودند. بنابراین پس از مکتب خانه، آموزش ابتدایی در مساجد انجام می‌گرفت و طالبان علم برای ادامه تحصیل به مدارس می‌رفتند. در عصر صفوی، مدارسی در کنار مساجد احداث می‌شد که محل تحصیل فرزندان بزرگان بود. آنان ضمن تحصیل زبان فارسی، به فراگرفتن زبان عربی و در حد توان به حفظ قرآن مجید می‌پرداختند.^۲ گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بسیاری از دانش آموختگان مدارس پس از تحصیل راهی دیار خود در شهرهای کوچک و روستاهایی شدند و در آنجا نقش‌های مختلف دینی و ارشادی را بر عهده می‌گرفتند و به فعالیت می‌پرداختند.^۳ یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که مدارس ایفا می‌کردند، تأمین نیروی انسانی برای نهادهای حکومتی و خصوصاً دینی بود. دانش آموختگان مدارس بر اساس مذهب رسمی علوم مختلف را می‌آموختند و همین امر سبب ترویج تشیع توسط آنها می‌شد. باید توجه داشت که حکومت صفویان در اوائل با کمبود شدید نیروی انسانی متخصص در زمینه مذهب تشیع مواجه بود. بنابراین گسترش و ترویج مدارس به مرور این نقص را مرتفع نمود به گونه‌ای که در اواخر دوران صفویان این مشکل در سایه گسترش نهادهای آموزشی خصوصاً مدارس رفع شده بود.

از محاسن نظام آموزش امامیه و مدارس این دوره، حق انتخاب استاد توسط دانشجویان بود. به گفته تاورنیه، طلاب در گزینش معلم آزاد بودند؛ بنابراین طالبان علم می‌توانستند در همان مدرسه درس بخوانند و یا در خارج از مدرسه، معلم دیگری را انتخاب نمایند.^۴ توجه و اهمیت دادن به نوع و سبک معماری مدارس از دیگر محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بود که سبب ایجاد ساختمان‌هایی مجلل با سبک خاص اسلامی برای مدارس می‌شد. کمپفر بیان نموده است مدارسی که در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی در ایران ساخته

^۱ همان، ج. ۳، ص. ۹۳۷.

^۲ انگلبرت کمپفر (۱۳۵۰)، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ص. ۱۳۹.

^۳ موسی‌الرضا بخشی استاد و رمضان رضایی (۱۳۹۳)، «نقش مدارس عصر صفوی در گسترش تشیع دوازده امامی»، دیان و عرفان، س. ۴۷، ش. ۲، صص ۲۲۶-۲۲۷.

^۴ زان باتیست تاورنیه (۱۳۸۲)، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران: نیلوفر، ص. ۵۹۰.

شده‌اند، از نظر شکوه، جلال و طرز ساختمان بر مدارس عالی آلمان برتری داشتند.^۱ به نظر می‌رسد در این عصر، حاکمان و عالمان با وحدت و همدلی در جهت گسترش مدارس اهتمام جدی داشتند. به همین علت در تمام مناطق ایران و به‌ویژه شهرهایی که پایتخت بودند، مدارس متعددی ساخته شد که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

شهر اصفهان، یکی از مهم‌ترین پایتخت‌های روزگار صفویان، در دوران طلاسی آن حکومت بود. حکما و علمای دوره صفوی برای ترویج مذهب تشیع، نهضت مدرسه‌سازی را رواج دادند. بنابراین، بیشترین مدارس در این شهر ساخته شد ولی به مرور زمان برخی از آن‌ها از بین رفتند. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که علاوه بر احداث مدارس در شهرها، در روستاهای نیز مدارسی احداث می‌شد. برای نمونه و بنا به استناد فیگوئروا، شاه طهماسب اول در روستای جاروستاق از توابع شهر اصفهان مدرسه‌ای برای طلاب ساخت.^۲ از دیگر محاسن نظام آموزشی امامیه، تعامل سازنده علماء و پادشاهان از یک طرف و علماء با علماء از طرف دیگر است که نتیجه آن، تأسیس مدارس مهمی در شهرهای مختلف ایران به‌ویژه در شهر اصفهان بود. به عنوان نمونه، شاه عباس اول مدرسه معروف به ملاعبدالله^۳ و شیخ لطف‌الله^۴ را تأسیس نمود. وجود نوعی تسامح در مدارس را باید از نکات مثبت این نظام آموزشی ذکر نمود. مثلاً به رغم سختگیری‌هایی که در زمینه علوم عقلی وجود داشت (هم از سوی حکومت و هم از سوی برخی جریانات فکری)، برخی از علماء در مدارس شهر اصفهان به تعلیم و تعلم این علوم مشغول بودند.^۵

علاوه بر شهر اصفهان، در شهرهای دیگر ایران، مدرسه‌سازی سرلوحه کار حاکمان بود. به همین علت در شهر تبریز مدارس متعددی ساخته شد و دانشمندان زیادی در حوزه‌های مختلف علوم به فعالیت مشغول بودند.^۶ علاوه بر دو شهر فوق الذکر، شهر قزوین نیز از پایتخت‌های عصر صفوی بود. علمای زیادی در مدارس این شهر به تعلیم و تعلم می‌پرداختند و به همین علت، علوم نقلی و عقلی در این شهر رونق گرفت.^۷ گرایش برخی از علماء به علم

۱ کهپفر، سفرنامه، ص. ۱۴۰.

۲ دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه غلام رضا سمیعی، تهران: نشرنو، ص. ۳۷۱.

۳ افندی، ریاض‌العلماء، ج. ۳، صص ۱۹۵-۱۹۶.

۴ همان، ج. ۴، ص. ۴۱۷.

۵ همان، ج. ۵، ص. ۴۶۷.

۶ همان، ص. ۲۵۸.

۷ همان، ج. ۳، ص. ۳۷۶.

پژوهشکی در مدارس را باید از دیگر محاسن نظام آموزشی دانست. برای نمونه امیر روح الله حسینی قزوینی سیفی در علم طب تبحر زیادی داشت. اکثر طبیب‌زادگان قزوینی علم طب را از وی فراگرفتند و به شاگردی او افتخار می‌کردند.^۱

در این دوره، علاوه بر سه پاینخت مهم عصر صفوی، در دیگر شهرها مدارس متعددی بنا شد و تعلیم و تعلم رونق گرفت. یکی از شهرهایی که در زمان صفویان مورد توجه حاکمان قرار گرفت، شهر مشهد بود. بنا به استناد منابع عصر صفوی، مدارس این شهر در نیمه قرن یازدهم در اوج ترقی و تکامل خود بوده است. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که دانش‌آموختگان این نظام آموزشی، کارهای عمرانی نیز انجام می‌دادند. به عنوان نمونه، شیخ مؤمن دستجردی در مشهد مقدس در بقعه‌ای که به پای چنار معروف بود، ساکن شد و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی شاگردان زیادی تربیت نمود که به همت آنان در خراسان مساجد، بقعه، رباط، پل و آب انبار ساخته شد.^۲ از دیگر شهرهای ایران که در زمان صفویان مورد توجه قرار گرفت و مدارس متعددی در آن تأسیس شد، شهر شیراز بود. علمای زیادی در این شهر به تعلیم و تعلم مشغول بودند. تأسیس مدارس توسط فرمانروایان از نکات مثبت این دوره بود. برای مثال یکی از مدارس مهم عصر صفوی، مدرسه «خان» شهر شیراز بود که توسط الله‌وردي‌خان تأسیس شد که از مدرسان معروف آن، ملاصدرای شیرازی بود.^۳ از دیگر شهرهایی که در زمان صفویه مدارس زیادی در آن تأسیس شد، شهر قم بود. در این شهر دانشمندانی در زمینه‌های مختلف علوم پرورش یافته‌اند و تألیفاتی از خود بر جای گذاشتند.^۴ از ویژگی‌های مثبت نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، تأثیرگذاری این مذهب بر علمای اهل سنت بود. به عنوان نمونه فخرالدین ماوراء‌النهری از بلاد ماوراء‌النهر به ایران سفر کرد، مستبصر شد و در شهر قم سکنی گزید. وی علوم ادبی و امثال آن را از گروهی از فضلای ماوراء‌النهر فراگرفت و علوم دینی را از دانشوران قم استفاده نمود.^۵

^۱ همان، ج. ۲، ص. ۳۵۳.

^۲ ولی‌قلی‌بن‌داودقلی‌شاملو (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، مصحح سید حسن سادات ناصری، ج. ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص. ۳۳.

^۳ محمد یوسف واله اصفهانی (۱۳۸۲)، /یران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، مصحح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص. ۳۶۶.

^۴ افندی، *ریاض‌العلماء*، ج. ۳، صص ۱۱۵-۱۱۶.

^۵ همان، ج. ۴، صص ۳۳۱-۳۳۲.

۱-۳- مکتب خانه‌ها

از دیگر مراکزی که خواندن، نوشتمن، آشنایی با قرآن و احکام ضروری اسلام در آن انجام می‌گرفت، مکتب خانه‌ها بود. اگرچه مکتب خانه‌هایی که در آنها خواندن و نوشتمن انجام می‌شد پیش از اسلام نیز وجود داشت، ولی همزمان با شکوفایی اسلام، از خواندن و نوشتمن استقبال گردید و مکتب خانه‌ها فعال شدند.^۱ تقریباً به غیر از اشراف و روحانیون، بقیه جامعه ایرانی فرزندانشان را راهی مکتب خانه‌ها می‌کردند و این پدیده به نوعی عمومیت داشته است. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که کارگزاران و متولیان این نظام آموزشی در اقصی نقاط ایران، مکتب خانه‌هایی تأسیس نمودند. بنا به استناد شاردن، در عصر صفویه در هر شهر، حتی در هر کوی و محله، چندین مکتب خانه وجود داشت.^۲ بنا به استناد کائف، در شهر قزوین مکتب خانه‌های زیادی بود و کودکان را آموزش می‌دادند.^۳ به گفته کارری در جوار بازار تبریز، مدرسه‌ای برای تعلیم و تربیت اطفال بنا شده بود.^۴ به نظر می‌رسد که حکومت در مکتب خانه‌ها دخالتی نمی‌کرد و آموزش در مکتب خانه‌ها نیر حول و حوش آموزش علوم دینی، آموزش خط فارسی و خواندن متون بود. به نظر می‌رسد مکتب خانه‌ها نظام آموزشی پیش‌نیاز مدارس علمیه محسوب می‌شدند.

از دیگر مراکز آموزشی در عصر صفویه، بیمارستان‌ها بودند. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که در اکثر بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی دایر بود. بیمارستان به عنوان بخشی از یک مجتمع سنتی شامل مدرسه و مسجد، همراه با تسهیلات لازم جهت زوار بود. ساختمان‌های این مجتمع را به نام‌های مدرسه و مسجد، دارالشفا نامگذاری کرده بودند. دارالشفا بیشتر در خدمت زوار و دیگر مسافرانی بود که به زیارتگاه و یا مجتمع مسجد – مدرسه می‌آمدند.^۵

۲. نگارش متون به زبان فارسی

پادشاهان صفوی از آغاز سلطنت بر آن شدند که در کشور ایران، وحدت سیاسی ایجاد کنند.

۱ احمدبن‌یحيی بلاذری (۱۹۷۸)، *فتح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۴۵۶.

۲ شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۹۳۲.

۳ فدت آفتابی یویچ کائف (۱۳۵۶)، *سفرنامه*، ترجمه محمد صادق همایون فرد، تهران: کتابخانه ملی ایران، ص ۶۰.

۴ کاری، سفرنامه، ص ۳۳.

۵ ویلم فلور (۱۳۹۳)، بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، ص ۳۵.

به نظر می‌رسد آنچه موجب اتحاد و انسجام می‌شد، زبان و مذهب مشترک بود. حکومت صفوی تلاش می‌کرد که این دو عنصر را تقویت نماید. شاه اسماعیل اول، جایگاه زبان فارسی را در دربار صفویان ارتقا داد به طوری که زبان فارسی، زبان رسمی ایران باقی ماند.^۱ نخستین سلاطین صفوی به این نکته پی برندند که حفظ وحدت ممالک و نواحی بسیار که اقوام مختلف و ملیت‌های متفاوت دارند، کار آسانی نیست. بنابراین، وحدت ملی را با ترویج مذهب شیعه به وجود آوردند.^۲ مدارس از طریق آموزش زبان رسمی به یکپارچگی اقوام مختلف داخل کشورها کمک نموده، تعلق به یک ملیت را در آنها تقویت می‌کند. از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفویه توجه به زبان فارسی بود. در این دوره، در برابر تشریف و سخت دوره مغول و تیموری، نشی روان و ساده رایج شد به گونه‌ای که برای عموم مردم قابل فهم و استفاده بود. هرچند برخی معتقدند در این عصر، به علت رویکرد پادشاهان و علمای به مسائل دینی و مذهبی و به‌ویژه مذهب تشیع، زبان فارسی دوران افول را طی نموده است، ولی با مراجعته به متون این عصر، چنین استنباط می‌شود که کتب فراوانی در زمینه‌های مختلف به زبان فارسی نگارش و ترجمه شده است. در ذیل برای نمونه به برخی از این متون اشاره می‌شود.

فقه و اصول از علومی بودند که در نظام آموزش امامیه دوره صفوی مورد توجه قرار گرفتند. علمای زیادی در این زمینه مهارت یافتند و آثاری از خود به زبان فارسی بر جای گذاشتند.^۳ رساله جامع عباسی شیخ بهایی را می‌توان نخستین رساله عملیه فارسی به شمار آورد که تمامی ابواب فقه را دربر می‌گرفت. این کتاب به زبان فارسی روان نوشته شد و به همین دلیل، قرن‌ها یکی از کتاب‌های اصلی فارسی‌زبانان در فقه بود و بارها در ایران و هند به چاپ رسید.^۴ علامه مجلسی کتاب مشکوحة الانوار فی فضل قرائت القرآن^۵، ملاعم‌الدین استرابادی التحفة الشاهية را در فن قرائت،^۶ احمد بن محمد اردبیلی،^۷ میرزا عبدالله افندی،^۸ عبدالباقي

۱ کمپفر، سفرنامه، ص ۱۶۸.

۲ افندی، ریاض‌العلماء، ج ۴، ص ۴۴۹-۴۵۱.

۳ همان، ج ۵، ص ۸۸.

۴ همان، ج ۵، ص ۱۸۹.

۵ همان، ج ۵، ص ۳۹.

۶ همان، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۷ همان، ج ۱، ص ۵۶.

تبریزی،^۲ ملاعلی رضا شیرازی،^۳ عبدالعلی حویزی،^۴ ملاعلی بن حسن زواری^۵ و ملفتح الله کاشانی^۶ تقاسیری به زبان پارسی تأليف کردند. علاوه بر تأليف کتب به زبان فارسی، کتاب‌های زيادي در زمينه‌های گوناگون علمي نيز به اين زبان ترجمه شد که برای نمونه می‌توان به کتاب الفيه شهید،^۷ مکارم الاخلاق طبرسی،^۸ اربعین شیخ بهایی،^۹ قرآن مجید، صحیفه سجادیه،^{۱۰} نفحات الالاهوت،^{۱۱} مهج الدعوات سید بن طاووس،^{۱۲} مفتاح الفلاح شیخ بهایی،^{۱۳} شرح لمعه،^{۱۴} کشف الریبه عن احکام الغیبة شهید ثانی،^{۱۵} الخصال، کمال الدین، عیون اخبار الرضا، امالی صدوق^{۱۶} و بربخی از متون سانسکریت^{۱۷} اشاره نمود که توسيط علمای عصر صفوی ترجمه شد.

۳- خوشنویسي، نقاشي و معماری

روزگار صفوی از نظر دانش، فرهنگ و تمدن از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ ایران، اسلام و تشیع به شمار می‌رفت. جلوه‌های گوناگون این تمدن درخشان در قالب موضوعات مختلفی چون دانش‌های عقلی و نقلی، هنر، معماری و ... خودنمایی کرد. اين عصر، اوچ ترقی و تکامل هنر در ایران بود.

- ۱ همان، ج. ۳، صص ۲۳۳-۲۳۲.
- ۲ همان، ج. ۳، ص. ۵۹.
- ۳ همان، ج. ۴، ص. ۹۵.
- ۴ همان، ج. ۳، صص ۱۴۸-۱۴۷.
- ۵ همان، ج. ۳، ص. ۳۹۴.
- ۶ همان، ج. ۴، صص ۳۱۸-۳۱۹.
- ۷ همان، ج. ۳، ص. ۸۸.
- ۸ همان، ج. ۳، ص. ۹۰.
- ۹ همان، ج. ۵، ص. ۱۳۵.
- ۱۰ همان، ج. ۲، ص. ۵۸.
- ۱۱ همان، ج. ۳، صص ۴۴۲-۴۴۱.
- ۱۲ همان، ج. ۲، ص. ۱۰۳.
- ۱۳ همان، ج. ۱، ص. ۱۱۴.
- ۱۴ همان، ج. ۵، ص. ۵۰۱.
- ۱۵ همان، ج. ۱، ص. ۲۰۷.
- ۱۶ همان، ج. ۴، ص. ۱۸۷.
- ۱۷ محمد علی حسینی‌زاده (۱۳۸۹)، شکل‌گیری و تحول حوزه‌های شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشری، صص ۱۴۲-۱۴۱.

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، توجه به هنر و هنرمندان بود. خوشنویسی در نظام آموزش امامیه عصر صفوی رواج داشت به گونه‌ای که برخی افراد از این طریق امرار معاش می‌کردند.^۱ بنا به استناد کارری، خط ایرانی بسیار زیبا بود و شیوه‌های مختلفی داشت.^۲ در میان هنرمندان، خوشنویسان در صدر قرار داشتند که نشانه مقام والای آنان نزد فرمانروایان بود.^۳ عبدی نیشابوری، شاه محمود زرین قلم، محمد حسین تبریزی، بابا خان تربیتی و مالک دیلمی قزوینی^۴ از جمله خوشنویسانی بودند که در عصر صفوی در خط نستعلیق مهارت داشتند. علاوه بر خوشنویسی، نقاشی نیز رونق داشت و علتش این بود که شاهان صفوی، راه را بر روی نقاشی و نقاشان گشودند. شاه اسماعیل اول، تبریز را به مرکز تهیه و تولید آثار هنری تبدیل کرد. شاه طهماسب اول علاقه زیادی به نقاشی داشت. استاد بهزاد، سلطان محمد و آقا میرک از نقاشان برجسته عصر اول صفوی بودند و در کتابخانه شاهی کار می‌کردند.^۵ رضا عباسی دارای سبک بود^۶ و آثارش مکتب اصفهان را رهبری می‌کرد.^۷ شاه عباس دوم، محمد زمان و دیگر نقاشان ایرانی را به روم فرستاد تا به تحصیل پردازند.^۸ در نقاشی‌های دوره صفوی شکوه، عظمت و جلال این عصر که متأثر از تحولات بزرگی در عرصه مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود، دیده می‌شد. معماری در این عصر مورد توجه قرار گرفت که اوج آن در زمان شاه عباس اول بود. دو نمونه از بنای‌های مذهبی و غیرمذهبی او مسجد شیخ لطف‌الله و کاخ عالی قاپو است که از نظر معماری اهمیت فراوان دارند و سیاحان خارجی را فریفته خود نموده‌اند.

۴- آموزش زنان

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، آموزش زنان بود. در مدارس عصر صفوی، بخش عمده تعلیم مسلمانان را آموختن قرآن و احادیث به زبان عربی تشکیل می‌داد و این عمل در گسترش افق دید زنان عصر صفوی نقش مهمی داشت. زنان این دوره، در زمینه‌های

۱ اولناریوس، سفرنامه، ص ۲۸۱.

۲ کارری، سفرنامه، ص ۱۴۷.

۳ ثروت عکشه (۱۳۸۰)، نگارگری اسلامی، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ص ۱۰۰.

۴ اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، مصحح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۰.

۵ همان، ج ۱، ص ۱۷۴.

۶ ب. و رابینسون (۱۳۷۶)، هنر نگارگری ایران، ترجمه یعقوب آزاد، تهران: مولی، ص ۷۳.

۷ Hellen Rabissow (1945), *Art of Asia, Philosophical Library*, 1st Edition, New York: p194.

۸ لورنس بینیون و دیگران (۱۳۶۷)، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه محمد ایران‌منش، تهران: امیرکبیر، صص ۳۹۳-۳۹۲.

مختلف علمی مانند ادبیات، تاریخ و ریاضیات مهارت داشتند و به شعر و شاعری علاقه‌مند بودند. زنان در این نظام آموزشی به تحصیل علم می‌پرداختند، ولی درصد آنان نسبت به مردان کمتر بود. بنا به استناد ریاض‌العلماء^۱، به برخی از زنان دانش‌آموخته عصر صفوی اشاره می‌شود. از زنان تحصیلکرده در این عصر، دختر شیخ علی منشار، زنی فقیه، محمدث، همسر شیخ بهایی و از شاگردان پدرش بود که به تدریس فقه و حدیث می‌پرداخت و زنان در درس او حاضر می‌شدند.^۲ از دیگر زنان فاضل عصر صفوی، آمنه خاتون دختر ملامحمد تقی مجلسی، بانوی فقیه، باتفاقا و همسر ملامحمد صالح مازندرانی بود. شوهرش با همه فضیلت و صلاحیت علمی که داشت گاهی پاره‌ای از قواعد علامه حلی را از وی می‌پرسید.^۳ وی شرحی بر الفیه ابن‌مالک و شواهد سیوطی نگاشته بود. از دیگر زنان دانش‌آموخته عصر صفوی، حمیده دختر مولانا محمد شریف محمد رویدشتی از زنان فاضل، عالم و عارف اصفهانی بود که در علم رجال تبحر داشت. او به زنان آمورش می‌داد و بصیرتی تمام در علم رجال داشت^۴ و بر استبصار شیخ طوسی، حاشیه نوشته است.^۵ فاطمه دختر حمیده رویدشتی اصفهانی نیز مانند مادرش زنی بافضیلت و از دانشمندان عصر صفوی بود که به تدریس زنان عصر خود پرداخت.^۶ خواهر ملارحیم اصفهانی از دیگر زنان فاضل عصر صفوی، از شاگردان پدر، برادرش و از علما و خطاطان معروف بود که خط نسخ و نستعلیق را به خوبی می‌نوشت. وی شرح لمعه را با خط بسیار خوبی نوشته بود.^۷

۵- دعوت از علمای جبل عامل، بحرین و عراق

طلاب و علمای دانش‌آموخته جبل عامل که در حوزه علمیه نجف به تحصیل اشتغال داشتند، آماده خدمت در مناطقی بودند که به وجود آنان نیاز داشت. در بدو تأسیس حکومت صفوی، ایران منطقه مناسبی برایشان بود. با توجه به فشارهای واردہ بر شیعیان در قلمروی عثمانی، برخی از آنان به ایران مهاجرت نمودند. هنگامی که شاه اسماعیل اول تشیع را در ایران رسمیت بخشید، کشور هم از نظر داشتن عالمان ورزیده شیعی و هم از نظر منابع دینی

۱ افندی، ریاض‌العلماء، ج ۵، ص ۴۰۷.

۲ همان، ج ۵، ص ۴۰۷.

۳ همان، ج ۴، ص ۴۰۴-۴۰۵.

۴ همان، ج ۵، ص ۴۰۴.

۵ همان، صص ۴۰۵-۴۰۶.

۶ همان، ص ۴۰۹.

دچار ضعف و کاستی بود. این مسئله از مهم‌ترین عللی بود که دولت صفوی را واداشت تا عالمان شیعه را از جبل عامل به ایران فراخواند.^۱ شاهان صفوی به منظور ترویج آیین تشیع و اجرای حقوق اسلامی بر طبق مذهب شیعه، علمایی را از سرزمین‌های عرب‌زبان مانند عراق، بحرین و جبل عامل به ایران دعوت کردند. جبل عامل از دیرباز، دانشگاه شیعه امامیه و مرکز پژوهش دانشمندان و فرزانگان در علوم مختلف اسلامی بود. شهید اول، کتاب *الملمه* الدمشقیه را به درخواست حاکم سربداری خراسان، نجم‌الدین علی بن المؤید علوی طوسی به ایران ارسال نمود.^۲ در دوران پادشاهی شاه طهماسب اول، مهاجرت علمای اوج خود رسید. در تحول گفتمان دینی عصر صفویه، محقق کرکی و شهید ثانی نقش اساسی داشته‌اند. محقق کرکی، پیشرفت خود را مدیون اتحاد قبایل شاملو و استاجلو در روزگار شاه اسماعیل اول می‌دانست. پس از مرگ شاه اسماعیل و بر همین اساس، شاه طهماسب اول، وی را خاتم مجتهدان و نائب امام دوازدهم (عج) دانست و طی فرمانی، تمام امور مذهبی کشور را به او سپرد.^۳ محقق کرکی نشان داد که فقهای توانند با حاکمیت سیاسی همکاری و قدرت را به آنان واگذار نمایند. به نظر وی، در زمان غیبت کبری علمای شیعه می‌توانند از حاکمیت خراج دریافت کنند.^۴ فقیهان عاملی مهاجر، مردم را آموزش می‌دادند تا به آیین تشیع پابینند شوند. بنابراین، به ایران مهاجرت نمودند و تحولات مهمی در نظام آموزش امامیه پدید آوردند. از علمای مهاجر می‌توان به عزالدین بن سودون عاملی^۵، حسین ابوجامع عاملی^۶، سلیمان بن حسین عاملی^۷، علی حر عاملی^۸ و ... اشاره نمود.

۶- تأسیس کتابخانه

کتابخانه عبارت است از مخازن عمومی کتاب که بخشی از آنها جهت مطالعه کتاب‌ها و نسخه‌برداری اختصاص داده می‌شد. کتاب و کتابخانه در ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود. چهار نوع کتابخانه وجود داشت: کتابخانه مساجد، کتابخانه شخصی، کتابخانه عمومی،

۱ فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه، ص ۱۶۶.

۲ جعفر مهاجر (۱۴۱۰ق)، *الهجرة العاملية الى ايران في العصر الصفوی*، بیروت: دار الروضة، صص ۶۶-۶۷.

1 Andrew J Newman (2006), *Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire*, I.B. Tauris, Coltd, London: p37.

2 Abisaab, *Converting Persia*, p22.

۵ افندی، *ریاض‌العلماء*، ج ۲، ص ۱۶۴.

۶ همان، ج ۲، ص ۱۷۵.

۷ همان، ص ۴۴۹.

۸ همان، ج ۳، ص ۴۱۰.

کتابخانه نیمه عمومی. اگرچه بعضی کتاب‌ها گران قیمت بودند، ولی بیشتر مردم حتی کسبه و ارباب صنایع، کتب را خریداری می‌نمودند، زیرا طالب علم بودند و میل داشتند اطلاع‌الشان را به آموختن و کسب معلومات وادارند.^۱ به نظر می‌رسد در این عصر، به علت افزایش تعداد مدارس و گسترش مذهب شیعه، کتاب‌های زیادی درباره تشیع نوشته شود که نتیجه‌اش رونق کتاب‌فروشی و کاغذفروشی بود.

۷- تأمین بودجه مدارس و تأکید بر آموزش همگانی

از محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، تأمین بودجه مدارس و اعطای کمک هزینه تحصیلی به طلاب بود. پادشاهان صفوی، درباریان و گاه صاحبان جاه و مقام، مدارسی را تأسیس می‌کردند و برای اداره آنها، موقوفاتی اختصاص می‌دادند. بنابراین چنین مدارسی در آمدهای سرشار داشتند که یا از جانب حکومت تأمین می‌شد و یا حاصل فروش موقوفاتی بود که به آن مدرسه اختصاص داشت. در این عصر، بانیان مدارس وقفی، اجاره قهوه‌خانه، بازار و باغ را وقف مدرسه می‌کردند. شاه، بزرگان و اعیان، وسایل مادی لازم را برای تأسیس و نگهداری موقوفه‌های دینی در اختیار می‌گذاشتند و به همین علت، اغلب شهرهای ایران پر از مدرسه و موقوفه بود. در شهر اصفهان حدود صد موقوفه وجود داشت. بنابراین، قسمت قابل توجهی از عواید دربار، صرف مدارس دینی می‌شد. بدون حمایت پادشاهان، امکان فعالیت مدارس عمده و نیز علما بسیار کم بود. بزرگان و اعیان جامعه نیز به پیروی از پادشاهان به چشم و همچشمی با یکدیگر بر می‌خاستند و امکانات لازم را برای تأسیس و نگهداری انواع ساختمان‌های عام‌المنفعه و به خصوص موقوفات دینی فراهم می‌کردند.^۲ حمایت‌های مالی منظم از مدارس در عصر صفوی موجب شکوفایی علم و دانش در این عصر شد. موقوفات شاه عباس اول، بزرگ‌ترین موقوفات عصر صفوی را تشکیل می‌داد. این عمل در تعلیم و تربیت این دوره، نقطه عطفی محسوب می‌شد، زیرا یکی از مهم‌ترین مصارف این موقوفات، تأمین هزینه‌های مراکز آموزشی و از آن جمله مدارس بود. بنابراین، امور مربوط به مدارس منظم‌تر و سازمان یافته‌تر گردید و ساخت و ساز، دخل و خرج و اداره مدارس تحت کنترل بیشتر حکومت قرار گرفت. مدرسان و طلاب از حمایت بیشتر حکومت

۱ تاورنیه، سفرنامه، ص ۵۹۲

۲ کمپفر، سفرنامه، ص ۱۳۹.

۳ منصور صفت گل (۱۳۸۸)، فراز و فرود صفویان، تهران: کانون اندیشه جوان، صص ۱۲۹-۱۳۰..

برخوردار شدند و پرداخت حقوق و شهریه استادان و دانشجویان، ثبات بیشتری یافت.^۱ بی‌گمان هدایا و حمایت‌های فرمانروایان، وجهات شرعی، بخشش‌ها، کمک‌ها و صدقات گروه‌های دیگر همواره در تأمین مقطعی هزینه‌های آموزگاران، شاگردان و مراکز آموزشی و گاه بنیانگذاری این مؤسسات نقش قابل توجهی داشت. اما تردیدی نیست که وقف، مهم‌ترین منبع تأمین این هزینه‌ها بود. در این دوره، پیوند نزدیکی میان نهاد وقف و نظام آموزشی به وجود آمد. از دیگر محاسن نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، تأکید بر آموزش و پرورش همگانی بود. به گفته اولتاریوس، ایرانی‌ها از هر قشر اجتماعی که باشند، علاقه به خواندن و نوشتمندانه دارند و فرزندان خود را به مکتب می‌فرستند.^۲

معایب نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی

هر نظام آموزشی در هر برهه تاریخی معایب و محاسنی دارد. در مورد نظام آموزش امامیه در عصر صفوی نیز به رغم محاسن بسیاری که داشت، کاستی‌ها و معایبی نیز در آن مشاهده می‌شد. شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب، مخالفت با برخی از رشته‌های علمی، تخصصی نشدن علوم، عدم رعایت پیش‌نیاز و کاربردی نبودن برخی از دروس و ... از معایب نظام آموزش امامیه در دوره صفوی بود. با توجه به اینکه خواندن کتاب‌های قطور وقت زیادی را می‌طلبد، نویسنده‌گان کتب بر آن شدند که بخش‌های مورد نیاز را تلخیص کنند. این عمل موجب شد تا شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب درسی نوشته شود. به تدریج حاشیه‌نویسی و پرداختن به شرح، سبب طولانی شدن کلام و گستردگی مباحث شد. این روند مورد تأیید قرار گرفت و شرح‌های زیادی از طرف علما بر کتاب‌های مختلف در زمینه‌های علمی گوناگون نگاشته شد. این شیوه، قدرت خلاقیت و نوآوری را از علمای روزگار صفوی سلب کرد. به نظر می‌رسد اگر علمای عصر صفوی روش دیگری را اتخاذ می‌کردند و به جای شرح، حاشیه و تعلیق بر کتاب‌ها، به تألیف می‌پرداختند و یا به شیوه انتقادی متون گذشته را مورد بررسی قرار می‌دادند، پیشرفت بیشتری در زمینه‌های مختلف علمی در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی حاصل می‌شد.

۱. شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب

از معایب نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، شرح‌نویسی بر کتاب‌های مختلف بود. با گذشت

^۱ کمپفر، سفرنامه، ص ۱۴۱.

^۲ اولتاریوس، سفرنامه، ص ۳۰۱.

زمان بیش از صد شرح بر بعضی از کتاب‌های درسی نگاشته شد. برخی از علماء با نوشتتن شرح بر کتاب‌ها به شهرت علمی رسیدند و این کار موجب احراز جایگاه آنان در نظام آموزشی شد. از علوم رایج در نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی، علم فقه و اصول بود و علمای زیادی در این زمینه مهارت داشتند. در میان علوم اسلامی، مجالس درس فقه و اصول بسیار پر رونق بود. در این نظام آموزشی، شرح‌های مختلفی بر کتاب‌های فقه و اصول نگاشته شد.^۱ علاوه بر کتاب‌های فقه و اصول بر سایر کتاب‌ها در رشته‌های مختلف، شرح‌هایی نوشته شد.^۲

حاشیه‌نویسی در اصطلاح نسخه‌شناسی، نوشتتن مطالبی بر بعضی فقرات یک کتاب در هامش آن، به منظور تغییر مطالب، توضیح معانی، تصحیح سهوها یا تعلیل مقصود نویسنده و یا نقد و رد آن است. حاشیه‌نویسی در واقع عمل افروزن توپیخات یا مطالبی در حاشیه کتاب است. در نظام آموزش امامیه حاشیه‌نویسی بر علوم مختلف رایج بود.^۳ تعلیق نوعی خط تو در تو و پیچیده، برگرفته از خط توقيع و رقاع است. تعلیق در لغت به معنای در آویختن چیزی به چیزی است و اطلاق نام تعلیق به این خط ناشی از پیچیدگی در نگارش حروف و روانی حروف آن است.^۴ علماء در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بر علوم مختلف تعلیق می‌نوشتند.^۵

۲. تخصصی نبودن علوم

از معایب نظام آموزش امامیه در عصر صفوی این بود که علوم تخصصی نشده بودند و به همین علت یک عالم، در زمینه‌های گوناگون فعالیت می‌کرد.^۶ از منابع عصر صفوی و کتاب ریاض العلما، چنین استنباط می‌شود که اگر در همان زمان فقه و دیگر علوم اسلامی به صورت تخصصی تدریس می‌شدند، با توجه به سختکوشی عالمان آن زمان، پیشرفت‌های شگرفی در زمینه‌های علوم مختلف به دست می‌آمد. به علت غیرتخصصی بودن علوم در نظام آموزش امامیه، متخصص تربیت نمی‌شد. در این نظام آموزشی هر طلبه‌ای با هر استعداد و ذوقی، در هر درسی که دوست داشت شرکت می‌کرد و از هر دانشی بهره کمی را فرا می‌گرفت و به همین علت در جامعه کارآیی لازم را نداشت. بدون شک اگر علوم به صورت

۱ افندی، ریاض العلما، ج ۱، ص ۳۹.

۲ همان، ج ۵، ص ۴۴.

۳ همان، ج ۱، ص ۵۷.

۴ همان، ص ۱۷.

۵ صفت گل، فراز و فرود صفویان، ص ۱۲۸.

تخصصی تقسیم می‌شدند و طلاب در یک زمینه خاص به تحصیل علم می‌پرداختند و در آن رشته متخصص می‌شدند، قادر بودند به مسائل مستحدثه و موضوع‌های جدید که به گونه‌ای مربوط به آن بخش بود، پاسخ‌های محققانه و دقیق بدهند.

۳. تخصصی نبودن مدرس

عالمنی که در مدارس عصر صفوی فعالیت می‌کردند فقط در یک حوزه متخصص نبودند.^۱ به علت عدم رعایت تخصص در تدریس، این امر کاستی‌هایی را در نظام آموزش امامیه به دنبال داشت. از منابع عصر صفوی چنین استنباط می‌شود که در مدرسه، یک معلم تک و تنها زبان عربی، صرف و نحو، شعر، فلسفه ارسطو، حدیث و گاهی ریاضیات و هیئت تدریس می‌کرد. به نوع درس، تقسیم ساعت و تعداد دانشجویان به هیچ وجهی توجه نمی‌شد، بلکه در آن واحد به شاگردان انواع و اقسام مواد درسی مختلف، عرضه می‌گشت و نظم و ترتیب خاصی در ارائه دروس وجود نداشت. به نظر می‌رسد اگر استادان به صورت تخصصی بر سر کلاس درس حاضر می‌شدند و تدریس خود را در همان رشته تخصصی ارائه می‌دادند، پیشرفت‌های قابل توجهی به دست می‌آمد.

۴. عدم رعایت پیش‌نیاز

از دیگر ضعف‌های نظام آموزشی صفویه این بود که پیش‌نیاز دروس رعایت نمی‌شد. برای مثال دانش‌آموزان قبل از آن که در منطق تبحر پیدا کنند، فیزیک می‌خوانند و یا بدون سابقه‌ای در حساب به آنها هندسه اقلیدس، المحسطی بطلمیوس، هندسه و مثلثات و اجسام کروی منلائوس و تئودوزیوس را ارائه می‌دادند. در مکتب‌خانه‌ها انتخاب کتاب از روی قاعده معینی نبود و استعداد و موقعیت طفل در نظر گرفته نمی‌شد، بلکه بر حسب میل اولیای طفل یا بر حسب تصادف، کودک کتاب یا رساله‌ای که در خانه بود را به مکتب می‌برد و می‌خواند.^۲

۵. تنیبه بدنی در مکتب‌خانه‌ها

از معایب نظام آموزشی امامیه در عصر صفوی که تا دوران معاصر نیز قابل روایی است، تنیبه بدنی کودکان در مکتب‌خانه بود. بنا به استناد او لشاریوس، محصلی که در مکتب درس می‌خواند، اگر مرتكب خطای می‌شد و یا اینکه درس را جواب نمی‌داد، پاهایش را به فلک

^۱ همان، ص ۱۲۸.

^۲ احمد تاجبخش (۱۳۷۸)، تاریخ صفویه: هنر و صنعت، ادبیات و علوم و سازمان‌ها، شیراز: نوید شیراز، ص ۲۸۸.

می‌بستند و ملای مکتب خانه با چوبدستی چند ضربه محکم به کف پای وی می‌کویید.^۱ بنا به استناد ژان باتیست تاورنیه، در ایران اطفال را به مکتب می‌فرستادند و در هر محله‌ای چندین مکتب خانه وجود داشت. اطفال با صدای بلند درس خود را تکرار می‌نمودند و اگر کسی ساکت می‌شد از جانب معلم برایش تنیه بدنی در نظر گرفته می‌شد.^۲ این شیوه و عملکرد نه تنها باعث پیشرفت محصلان نمی‌شد بلکه در درازمدت آثار مخرب روانی بر جای می‌گذاشت.

نتیجه‌گیری

نظام آموزش امامیه در عصر صفوی محسان فراوانی داشت. در این روزگار، علوم دینی شیعه احیا و مساجد، مدارس و مکتب خانه‌هایی احداث شد. در این مراکز آموزشی، فقیهان، محدثان، حکیمان، فیلسوفان و ... پرورش یافتد که در هیچ دوره تاریخی نمی‌توان مانند آن را مشاهده کرد. تولید علم در زمینه‌های مختلف آموزشی، گسترش فرهنگ شیعی در بین توده مردم، ترویج زبان فارسی، گسترش مساجد و حوزه‌های علمیه، گسترش مدارس، نگارش متون فقهی و علوم دیگر به زبان فارسی، معماری، نقاشی و خوشنویسی، پرورش عالمان نظریه‌پرداز در زمینه‌های مختلف علمی، ترجمه کتب به زبان فارسی، دعوت از علمای جبل عامل، بحرین و عراق، تحصیل زنان در رشته‌های مختلف، دلجویی از علماء و دانشمندان، پیوند عمیق میان استادان و طلاب، تأمین بودجه، تأسیس کتابخانه، تکامل علوم عقلی و نقلی، پیدایی مکاتب مختلف فقهی و فلسفی، روحیه آزاداندیشی حاکم بر محیط‌های علمی، ترویج اندیشه اصولی گری، شیوه مباحثه، ابتکار و نوآوری در روش تدریس، پاسخ به حرکت‌های ضدینی، مناظره با متفکران غیرمسلمان، آموزش رایگان، آموزش همگانی، عدم توجه به مدرک گرایی، اعطای کمک هزینه تحصیلی، طراحی و نظارت بر مساجد و مدارس از محسان نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بود.

به رغم محسان بسیاری که نظام آموزش امامیه در عصر صفوی داشت، کاستی‌ها و معایبی نیز در آن مشاهده می‌شد. ترویج اندیشه اخباری گری، تخصصی نشدن علوم، ممنوعیت تعلیم فلسفه در برخی از مدارس وقفي، عدم رعایت پیش‌نیاز دروس، شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب، بی‌توجهی به نوع درس، تقسیم ساعت‌ها و تعداد طلاب، متن محوری، بی‌توجهی به امر پژوهش، تنیه بدنی در

۱ اولتاریوس، سفرنامه، ص ۳۰۳.

۲ تاورنیه، سفرنامه، ص ۵۹۲.

مکتب خانه‌ها و ... از آسیب‌ها و معایب مهم نظام آموزش امامیه در این روزگار بود.

منابع و مأخذ

- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۴۰۳ق)، *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء*، تحقیق سید احمد حسینی، قم: منشورات مکتبة آیت‌الله مرعشی نجفی.
- اولٹاریوس، آدام (۱۳۶۲)، *سفرنامه، ترجمه احمد بهپور*، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- بخشی استاد، موسی الرضا و رضایی، رمضان (۱۳۹۳)، *نقش مدارس عصر صفوی در گسترش تشیع دوازده امامی*، ادیان و عرفان، س، ۴۷، ش. ۲.
- بلاذری، احمد بن‌بیهی (۱۹۷۸)، *فتح‌البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بینیون، لورنس و دیگران (۱۳۶۷)، *سیر تاریخ تقاضی ایرانی*، ترجمه محمد ایران منش، تهران: امیرکییر.
- تاجبخش، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ صفویه: هنر و صنعت، ادبیات و علوم و سازمان‌ها*، شیراز: نوید شیراز.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۲)، *سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری*، مصحح حمید شیرانی، تهران: نیلوفر.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی، مصحح ایرج افشار*، چ، ۳، تهران: امیرکییر.
- حسینیزاده، محمد علی (۱۳۸۹)، *شکل‌گیری و تحول حوزه‌های شیعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشری.
- راینسون، ب. و. (۱۳۷۶)، *هنر نگارگری ایران، ترجمه یعقوب آژند*، تهران: مولی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: طوس.
- شاملو، ولی‌قلی بن‌داده قلی (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، مصحح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۴)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چ، ۱۰، تهران: مؤسسه انتشارات مدبیر.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۸۸)، *فراز و فرود صفویان*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- عکاشه، ثروت (۱۳۸۰)، *نگارگری اسلامی*، ترجمه غلام‌رضا تهامی، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- فرمیهنه فراهانی، محسن (۱۳۷۸)، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران: اسرار دانش.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷)، *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی*، چ، ۲، تهران: امیرکییر.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه، ترجمه غلام رضا سمیعی*، تهران: نشرنو.
- فلور، ویلم (۱۳۹۳)، *بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار*، ترجمه ایرج نبی پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- کائف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۵۶)، *سفرنامه، ترجمه محمد صادق همایون فرد*، تهران: کتابخانه ملی ایران.

- کارری، جملی (۱۳۴۸)، *سفرنامه*، ترجمه عباس نجفی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کلبینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق.)، *کافی (ط-اسلامیه)*، محقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، *سفرنامه*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- مهاجر، جعفر (۱۴۱۰ق.)، *المigration العاملية الى ايران في العصر الصفوي*، بیروت: دارالروضۃ.
- نجاشی، احمدبن علی [بی‌تا]، رجال، تهران: [بی‌نا].
- واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۸۲)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، مصحح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- Abisaab, Rula Jurdi (2004), *Converting Persia: Religion and Power in the Safavid Empire*, New York & London: I.B. Tauris & Co. Ltd.
- Newman, Andrew J. (2006), *Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire*, London: I.B. Tauris & Co. Ltd.
- Rabissow, Hellen (1945), *Art of Asia, Philosophical Library*, 1st Edition, New York.